

نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

سیدعلیرضا میرکمالی^۱ و فاطمه امام بخش لک^۲

چکیده

زمینه و هدف: پلیس به عنوان بازوهای اجرایی دادسراها و دادگاهها، موظف به انجام تکالیف و فعالیت‌های بسیاری است. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های پلیس، موضوع پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. حساسیت‌های موجود در این رده سنی، ضرورت آشنایی پلیس ویژه رسیدگی به کودکان و نوجوانان را با علومی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ایجاب می‌کند. همچنین از آنجایی که دوران نوجوانی دوره ایجاد شخصیت افراد است، رفتار پلیس به عنوان یکی از کنشگران عدالت کیفری در برخورد با نوجوانان در مراحل مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار است که در این پژوهش به بررسی ابعاد آن پرداخته شده است.

روش‌شناسی: در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: پلیس به عنوان یکی از متولیان نظام عدالت کیفری، از اختیارات بسیاری برخوردار است. رفتار پلیس با متهمان به خصوص متهمان نوجوان، می‌تواند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری ذهنیت آنها نسبت به نظام عدالت کیفری داشته باشد. چنانچه عملکرد پلیس از معیارهایی برخوردار باشد، می‌توان نمود عینی هر سه سطح پیشگیری از جرم را در آن دید. در این میان رفتار پلیس با متهمان نوجوان دارای اهمیتی دوچندان است. رفتار مناسب پلیس با نوجوانان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده جنایی آنها داشته باشد. پلیس می‌تواند، زمینه‌های وقوع جرم نوجوانان را از بین ببرد، مانع از بزهکاری ثانویه آنها شود و با برخوردی معقول، از تکرار جرم توسط آنها جلوگیری کند. این مهم با در دستور کار قراردادن برنامه‌های پیشگیرانه، قابل دسترسی است.

کلیدواژه‌ها: پلیس، نوجوانان، بزهکاری، بزهکاری نوجوانان، پیشگیری از بزهکاری

□ **استناد:** میرکمالی، سیدعلیرضا؛ امام بخش لک، فاطمه (پاییز، ۱۳۹۷). نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان. فصلنامه رهیافت پیشگیری،

۱(۳)، ۷۱-۹۰.

۱. استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. رایانامه: sarmirkamali@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری. (نویسنده مسئول). رایانامه: femambakhsh1371@yahoo.com

مقدمه

یکی از مشکلاتی که در رسیدگی به جرائم نوجوانان به چشم می‌خورد نحوه برخورد با این افراد است. نوجوانان در سنی به سر می‌برند که از یک سو تمایلات آنها در حال شکل‌گیری و در تعارض با دوران کودکی است و از سویی دیگر در حال شکل‌دهی به شخصیت خود هستند بنابراین شیوه رفتار با ایشان از اهمیت بسیاری برخوردار است. طبیعی است که نوجوانان، به اقتضای سن، درک درستی نسبت به نظام عدالت کیفری و نیز پلیس به عنوان یکی از کنشگران این سیستم، نداشته باشند. به همین دلیل اولین برخورد وی با پلیس می‌تواند شکل‌دهنده تفکر او در خصوص نظام عدالت کیفری و متولیان آن باشد. پلیس به عنوان ضابط دادگستری، به‌طور معمول در بسیاری از جرائم حلقه اول زنجیره عدالت کیفری محسوب می‌شود و به دنبال آن، آغاز فرآیند کیفری نیز با اقدامات آنها و برخورد افراد با آنها همراه است. به همین دلیل نحوه برخورد پلیس با مظنونان، به ویژه نوجوانان، بسیار اهمیت دارد. این امر آشنایی پلیس با علوم روز و نیز شیوه برخورد با گروه‌های سنی حساس را ایجاب می‌کند. طبیعی است هر گونه برخورد خشن در این فرآیند می‌تواند منجر به خسارات روحی جبران‌ناپذیر شود و ایجاد زمینه بزهکاری یا خشونت و انتقام‌کودک نسبت به نظام عدالت کیفری را ایجاد کند. پلیس رسیدگی‌کننده به جرائم نوجوانان باید متخصص، آشنا به علوم روان‌شناسی و علوم اجتماعی باشد و همچنین با کودکان و نوجوانان با ملاحظت برخورد کند و تناقض درونی این قشر حساس را درک کند و برای پیشگیری و اصلاح آنان قدم بردارد. نوجوانی که پلیس، به عنوان اولین کنشگر، با او برخورد صحیح و مهربانانه داشته باشد با اظهارات صحیح خود جریان پرونده را نیز در مسیری صحیح به پیش خواهد برد.

با وجود پژوهش‌های فراوان در زمینه نقش پلیس در پیشگیری از جرم، کمتر پژوهشی به‌طور خاص به موضوع نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان پرداخته است. در این خصوص می‌توان به پژوهش صلاحی (۱۳۹۵) با عنوان «نقش پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال» اشاره کرد؛ پژوهش یاد شده نتیجه گرفته است که اصلاح و تربیت مجدد صغار غالباً از کلانتری‌ها شروع می‌شود. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌ها در این است که سعی شده است تا نقش پلیس در هر سه سطح پیشگیری از بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد.

به‌طور کلی نقش پلیس در پیشگیری از جرائم نوجوانان در سه سطح قابل بررسی است؛ نخست، اقدامات پلیس در زمینه پیشگیری اولیه بدین صورت که می‌تواند با آموزش رفتار اجتماعی مناسب به

کودکان و نوجوانان مانع انحراف آنها از قوانین شود. همچنین استفاده از ایشان در رعایت قانون مانند طرح همیاران پلیس به این مهم کمک می‌کند. دوم، اقدامات پلیس در پیشگیری ثانویه به منظور شناسایی کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری - مانند کودکان بدسرپرست با والدین معتاد - سپس معرفی آنها به مراکز مردم نهاد تا بستر مناسب را برای رشد اجتماعی ایشان فراهم کنند. سوم، پیشگیری ثالث، به معنای اصلاح و جلوگیری از تکرار جرم توسط نوجوانان، با استفاده از روش‌های میانجی‌گری که پلیس می‌تواند از این طریق مانع از ورود مرتکبان بزه‌های خفیف به کانون‌های اصلاح و تربیت شود. در نتیجه آنها نحوه ارتکاب جرائم شدیدتر را از تکرارکنندگان این جرائم نمی‌آموزند.

ویژگی‌ها و وظایف پلیس در رابطه با پیشگیری از بزهکاری نوجوانان: نهاد پلیس در حفظ تعادل جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین آنها مشارکت این نهاد در پیشگیری با استفاده از پاسگاه‌های کوچک سیار یا ثابت، تجهیز و تربیت نیروهای واکنش سریع در قالب پلیس پیشگیری و این قبیل اقدامات است. همان‌طور که «اصل دوم» از اصول بنیادین مقدمه «رهنمودهای ریاض»^۱ پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان را وظیفه کل جامعه می‌داند^۲، نهاد پلیس نیز در این زمینه مسئول است. بنابراین از دیگر وظایف پلیس در رابطه با پیشگیری، جلوگیری از گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری و تکرار بزهکاری است. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که ضرورت تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان در این نهاد به چشم می‌خورد. تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و آموزش دیده، تجهیز پلیس به ابزارهای کشف علمی جرم، استفاده از روش‌های مناسب کشف جرم، سرعت در اجرای وظیفه توسط پلیس و قضاودایی که منجر به اخطار دادن به کودک و پرهیز از اعزام نوجوانان به نهادهای رسیدگی‌کننده و رسمی، از ساز و کارهای مؤثر در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان توسط پلیس است (عباچی، ۱۳۸۸، ص ۶۹). پلیس ویژه کودکان و نوجوانان با برخورد اختصاصی، از پاسخ‌های قهرآمیز با کودکان و نوجوانان خودداری می‌کند، زیرا برخوردی هم‌چون مجرمان بزرگسال، موجب لجابت و کینه نوجوانان از نظام عدالت کیفری را فراهم می‌آورد. گفتنی است در میان برنامه‌های پلیسی، طرح «ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی»

۱. رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان که به دلیل محل برگزاری اجلاس نهایی در شهر ریاض عنوان سند ریاض را کسب کرده شامل یک مقدمه و شصت و شش ماده است که بخش عمده این سند به پیشگیری غیرکیفری اختصاص دارد.
 ۲. اصل دوم: پیشگیری موفقیت‌آمیز از بزهکاری نوجوانان ایجاب می‌کند که کل جامعه بکوشد تا رشد و نمو هماهنگ نوجوانان، از اولین دوره کودکی آغاز شود.

یکی از مهم‌ترین طرح‌های انتظامی در سال‌های اخیر است که در بیشتر قسمت‌های آن به کنترل جوانان و نمادهای بی‌حجابی و تضادهای اجتماعی آنان پرداخته شده است (عابدی نژاد مهرآبادی و فرجیها، ۱۳۹۵، ص ۲۱۰). کمک شهروندان به پلیس ضمن افزایش اعتماد آنان به پلیس، موجب کاهش ترس شهروندان درباره مشکلات خاص در جامعه، مشارکت مردم در حمایت از پلیس برای حل مشکلات، آموزش شهروندان درباره آسیب‌پذیری آنها در برابر جرم و جنایت و کمک به شهروندان برای حل مشکلات، توسط خودشان می‌شود (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

عملکرد پلیس ویژه کودکان و نوجوانان: پلیس همواره به دنبال از بین بردن شکاف میان امنیت و اجتماع است. این مهم تنها از راه سرکوبی و مقابله کیفی تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین پلیس به روش‌های متفاوت به پیشگیری از بزهکاری می‌پردازد. از آنجایی که نوجوانان امروز بزرگسالان آینده هستند، بزه‌دیدگی و بزهکاری آنها در این سن ممکن است عاملی بر پایداری شان در انحراف تا بزرگسالی باشد. بنابراین اقدام به موقع تمام دستگاه‌های اجرایی به ویژه پلیس می‌تواند از بزهکاری این سرمایه‌های اجتماعی جلوگیری کند. ویژگی‌های پلیس ویژه کودکان و نوجوانان: به منظور اجرای عدالت اجتماعی در یک جامعه پیشرفته که هدف از آن نیل به درجات عالی و مترقی است؛ مأموران پلیس باید از میان داوطلبان با هوش و از نظر جسمانی و روانی مناسب انتخاب شوند. طرز انتخاب و آموزش برای اطلاع از پیشرفته‌ترین فنون فنی پلیسی و حفظ حرمت قانونی مردم و حقوق شهروندی، آموزش تشویق و تنبیه و مجازات‌های انضباطی برای تضمین موقعیت اجتماعی و قانونی در بهبود روش‌های اصلاحی و تربیتی حائز اهمیت است (دانش، ۱۳۸۶، ص ۷۱).

برخی از علل ارتکاب بزه از طرف کودکان و نوجوانان، علل روانی، اخلاقی و عاطفی است و همین امر باعث حساسیت بیش از حد آنان می‌شود. استانلی هال^۱ (۱۸۴۴-۱۹۲۴) پدر روان‌شناسی نوجوانی معتقد است: «هیچ سنی به اندازه نوجوانی، پاسخگوی بهترین تلاش‌های بلوغ نیست و در هیچ سنی تخم خوب و بد مانند نوجوانی ریشه نمی‌دواند و رشد نمی‌کند» (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۱۵). روشن است مأمور نیروی انتظامی که وظیفه‌اش برخورد با کودکان است باید علم و تخصص کافی و لازم در این خصوص را دارا و تعلیمات لازم را دیده باشد (نیازخانی و ملک‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). او اگر متخصص نباشد در

1. Stanley Hall

ایفای وظایف خود در ارتباط با نوجوانان موفق نخواهد بود. بنابراین پلیسی که وظیفه برخورد با نوجوانان را بر عهده دارد ضمن گذراندن آموزش‌های ضمن خدمت و ابتدایی باید آشنا به علوم روان‌شناختی، علوم اجتماعی، جرم‌شناسی و علوم تربیتی نوجوانان باشد و یا دوره‌های آشنایی با آنها را گذرانده باشد. از دیگر ویژگی‌های پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، وظیفه‌شناسی و پایبندی به اخلاق است و منظور از آن مسئولیت اخلاقی از حیث شغل است. در این زمینه مهارت در کار، راز داری، حفظ حریم خصوصی متهم و نحوه رفتار فرد با دیگران حائز اهمیت است. همچنین اجتناب از سوء استفاده از قدرت یا اعمال هر گونه خشونت نسبت به متهم، مظنون یا محکوم، از جمله اصولی است که پلیس باید رعایت کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). باید در نظر داشت که اغماض بیش از حد، سخت‌گیری و خشونت مأموران نیروی انتظامی در برخورد با کودکان و نوجوانان معارض قانون، اثر فوری و آنی بر روحیه آنها می‌گذارد (نجفی توانا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸).

از منظر اسلام نیز مهربانی، عطف و آسان‌گیری در رابطه با کودکان یکی از اصول بنیادین رفتار با آنها محسوب می‌شود. در این خصوص حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «هر گاه نوجوانی را به سبب اشتباهی که کرده است نکوهش می‌کنی، مراقب باش که قسمتی از خطاهای او را نادیده بگیری و از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخ قرار نگیری تا نوجوان به واکنش وارد نشود» (مجلسی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۳). بنابراین برخورد صحیح پلیس با کودکان و نوجوانان از وظایف آنها محسوب می‌شود.

وظایف ویژه پلیس کودکان و نوجوانان: مأموران انتظامی دارای مسئولیت‌هایی چون: حفظ نظم و آرامش در اجتماع، کشف جرم، دستگیری بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرائم هستند و غالباً قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم و یا بروز حالت خطرناک مطلع شده و تحقیقات مقدماتی را به عمل می‌آورند. برخورد اولیه پلیس می‌تواند تأثیر عمیقی بر روحیه نوجوانان داشته باشد (کشفی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵). بررسی وضعیت نوجوانان بخش کوچکی از فعالیت پلیس است، از این رو می‌توان گفت که اصلاح و تربیت مجدد صغار بزهکار غالباً از کلانتری‌ها شروع می‌شود. برخی از جرائم کوچک ارتكابی توسط نوجوانان در ادارات پلیس حل و فصل می‌شوند و به نظام قضایی راه نمی‌یابند. به عنوان مثال در کشور هلند مطابق قانون کیفری ویژه کودکان و نوجوانان مصوب ۱۹۹۵ برخی از جرائم کوچک از قبیل شکستن شیشه به طور مستقیم به دادگستری فرستاده نمی‌شود. در این موارد پلیس مخیر است بین فرستادن به دادگستری یا اجرای برنامه

هالت^۱ و پس از انتخاب این برنامه گزارش مربوطه به هالت فرستاده می‌شود.^۲ در ایران با تأسیس واحدهای مددکاری و مشاوره در کلانتری‌ها در سال ۱۳۷۹، میانجی‌گری کیفی به صورت رسمی جزء وظایف سازمان پلیس قرار گرفت (احمدی موسوی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). از دیگر مواردی که پلیس ویژه باید آن را اعمال کنند توجه به منافع عالیه کودک و نوجوان است. برخورد مناسب در تحقیقات مقدماتی و یا سایر مراحل که کودک و نوجوان با پلیس مرتبط است، باید به گونه‌ای باشد که کرامت انسانی کودک یا نوجوان حفظ شود. حفظ خلوت کودک که شامل خلوت فیزیکی و اطلاعاتی اوست، ممنوعیت شکنجه، خودداری از بازداشت کودک تا حد امکان، همگی مرتبط با کرامت ذاتی است. اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک به امر خلوت کودک توجه کرده است و مداخله خود سرانه در امور خصوصی کودک را ممنوع کرده است (اسدی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

دستگیری، توقیف و هدایت نوجوانان بزهکار به کلانتری یا دادسرا باید توسط مأموران در لباس شخصی انجام شده و بهتر است بدون جلب توجه سایرین صورت بگیرد. عکس برداری و انگشت‌نگاری از کودکان و نوجوانان مگر با اجازه صریح قاضی اطفال و نوجوانان نباید اعمال شود. مأموران هنگام بازجویی از صغار باید به هیچ وجه از اعمال زور و خشونت خودداری کنند (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱). با این حال باید در نظر داشت که دستگیری نوجوان و نگهداری او باید به عنوان آخرین راه صورت گیرد. ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک مؤید این مطلب است که دستگیری باید به عنوان آخرین راهکار و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد و مقرر می‌دارد کودکان پس از دستگیری باید در سریع‌ترین زمان ممکن به دادگاه معرفی شوند؛ به عبارت دیگر پلیس نباید نوجوان یا کودک را در این مدت در بازداشت نگه دارد و بعد به دادگاه یا دادسرا معرفی کند (کشفی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). همچنین سیاست افتراقی دادرسی نوجوانان ایجاب می‌کند، در صورت ضرورت نگهداری موقت نوجوانان برای تکمیل تحقیقات مقدماتی و حفظ آثار جرم، محل نگهداری او از بزرگسالان تفکیک شده باشد. دلیل این امر مضرات هم‌نشینی این گروه‌ها برای نوجوانان است. از منظر «ساترلند»^۳ در دیدگاه هم‌نشینی افتراقی، رفتار انحرافی موروثی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که رفتار

۱. Hallett، سازمانی است وابسته به شهرداری که برای جلوگیری از تکرار خلاف‌های فرد ایجاد شده است و بین شهرداری و پلیس دادگستری برنامه منسجمی در راستای آن وجود دارد.

۲. گزارش سفر مطالعاتی سفیر ایران به کشور هلند با همکاری یونیسف، نشریه مأوا، قوه قضائیه، ماده ۱۴۶ - ۱۰/۱۲/۸۱.

دیگری آموخته می‌شود. این نظریه بر یادگیری اجتماعی جرائم از طریق همنشینی با الگوهای رفتاری انحرافی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۹۶). بر اساس این دیدگاه جرم رفتاری محسوب می‌شود که توسط افراد در گروه‌های کوچک و طی فرآیند ارتباطی آموخته می‌شود. فرد رفتار مجرمانه خود را تا جایی ادامه می‌دهد که ویژگی‌های خود را با اشخاصی که رفتار مجرمانه وی، از نظر آنان قابل قبول به نظر می‌رسد، تطبیق دهد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴). با این وجود، نوجوانانی که به طور معمول به دلیل ارتکاب جرم خفیف یا جرم شدیدی که فاقد سوء نیت تبهکارانه دستگیر می‌شوند؛ همنشینی ایشان با بزهکاران بزرگسال در بازداشتگاه سبب یادگیری روش‌ها و جرائم جدید توسط آنها می‌شود.

آموزش پلیس ویژه کودکان و نوجوانان: پلیس پیشگیری برای حل مشکلات اجتماعی باید در بین گروه‌های اجتماعی حضوری فعال و پایدار داشته باشد؛ حضور فعال پلیس در یک جامعه اسلامی مستلزم ارائه آموزش‌های لازم در زمینه اخلاق و احکام اسلامی به مأموران پلیس جهت تربیت نیروهای مؤمن و متعهد و کسب مهارت‌های اجتماعی است (ساداتی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). از آنجا که اولین مرحله برخورد کودکان و نوجوانان با نظام عدالت کیفری با پلیس است، تنها پلیس آموزش دیده قادر خواهد بود وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهد. رفتار پلیس می‌تواند تأثیر زیادی در واکنش بعدی کودکان و نوجوانانی که برای اولین بار در ارتباط با پلیس قرار می‌گیرند داشته باشد (معظمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳). طبق بند ۱ ماده ۱۲ مقررات پکن^۱: «مأموران پلیس ملزم به دستگیری کودکان و جوانان و پیشگیری از وقوع جرائم هستند. آنان باید دو دوره آموزشی خاص را گذرانده باشند؛ ایفای این امر در شهرهای بزرگ به پلیس متخصص جوانان محول می‌شود» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰). این قاعده به ضرورت آموزش خاص کلیه مأموران اجرای قانون که به نحوی از انحاء در امر دادرسی ویژه نوجوانان دخیل هستند، اشاره دارد. بدین منظور در راستای آموزش پلیس از شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود؛ یکی از این روش‌ها که بازده خوبی داشته و در بیشتر آموزش‌های کوتاه مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش کارگاهی است. یکی از این کارگاه‌ها، کارگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان است (ارسنجانی، ۱۳۹۰، ص ۶۴). مأمور یا افسری که نقش رسیدگی و برخورد با کودک و نوجوان را دارد برای انجام وظایف خود به نحو احسن، باید مواردی که در این کارگاه‌ها آموزش می‌دهند را فراگیرد. این موارد به شرح زیر است:

۱. اطلاع از قوانین مربوط به نوجوانان، روش‌های مربوط به جرائم نوجوانان بزهکار، مراجع رسیدگی کننده به جرائم آنها و قوانینی که برای حمایت و تأدیب ایشان وضع شده است؛
۲. مطالعه در علم جرم‌شناسی و یادگیری مقدماتی از علل و اسباب مؤثر در بزهکاری؛
۳. آشنایی با مراجع و مقاماتی که با نوجوانان سروکار دارند و به نحوی از طریق قانون عهده‌دار وظایفی در رابطه با آنها شده‌اند؛
۴. مطالعه و آموزش در رابطه با روان‌شناسی اطفال و نوجوانان و روان‌شناسی اجتماعی حفاظت از نوجوانان؛
۵. توجیه و آموختن وظیفه و نحوه رفتار با نوجوانان ولگرد، بی‌سرپرست و نوجوانی که در جلو دید مأمور مرتکب عمل خطا می‌شوند (آفنداک، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

نقش پلیس زن در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان: موجودیت زن به عنوان بیشترین تأثیرگذار بر مناسبات و جریان‌های فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی انتظامی کشور واقعیتی انکارناپذیر است و هر گونه بی‌توجهی یا نفی این نیروی عظیم، بدون شک تنش‌ها و کندی‌هایی را در حرکت طبیعی و منطقی جریان‌های اجتماعی در پی خواهد داشت (شایگان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷). بسیاری از دانشمندان معتقدند که تفاوت‌های رفتاری بنیادی میان زنان و مردان وجود دارد که در همه فرهنگ‌ها به گونه‌ای ظاهر می‌شوند. برای مثال آنها توجه اذهان را به این واقعیت جلب می‌کنند که مردان گرایش‌های مبتنی بر زیست‌شناختی برای پرخاشگری دارند که زنان فاقد آن هستند. برخی دیگر اعتقاد دارند زنان از طریق یادگیری اجتماعی به دلیل صرف وقت در پرورش فرزندان این ویژگی را نیاموختند (گیدنز^۱، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴).

با این وجود یکی از مشکلاتی که در رابطه با وجود پلیس زن در یگان‌های پیشگیری به ویژه کلانتری‌ها وجود دارد، فقدان درک و باور صحیح نسبت به نقش و جایگاه این افراد به عنوان بازوی اجرایی نیروی انتظامی است. زنان مشاور پلیس می‌توانند مهم‌ترین نقش را در ساختار حمایت اجتماعی از کودکان و نوجوانان داشته باشند؛ زیرا غالباً قبل از مقامات قضایی نسبت به حالت خطرناک و بروز آسیب مطلع شده و می‌توانند تأثیر عمیقی بر روحیه آنان بگذارند (اودانل^۲ و سیمور^۳، ۲۰۰۲، ص ۱۲۶). با این حال بنا بر نظر برخی از روان‌شناسان، ارتباط انسان با دیگران که مبنای آن ارتباط میان فردی است، سبب

1. Giddenz
2. Ondanell
3. Seymour

شکوفایی انسان می‌شود و در صورتی که ارتباط غیر مؤثر باشد جلوی شکوفایی را می‌گیرد؛ از آنجایی که زن از قدرت بیشتری در برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان برخوردار است با برخورد با آنها می‌تواند در رشد و نمو آنها و ایجاد رابطه‌ای صمیمی تر و به دنبال آن تأثیرگذاری بیشتر و همچنین تسریع در کشف جرم و بازایی زمینه‌های ارتکاب جرم مؤثر باشد. نقش پلیس زن در برقراری ارتباط با نوجوانان بزهکار به ویژه بزهکاران اتفاقی^۱ می‌تواند کاملاً سازنده باشد، به نحوی که ضمن رسیدگی دقیق به جرائم این‌گونه افراد از برچسب زدن و ایجاد احساس حقارت و در نتیجه آن غلتیدن کامل به ورطه جرم و جنایت جلوگیری کند. این نوجوانان، بدون درگیر شدن با خشونت پلیسی مردانه، هر آنچه درباره جرم و سایر مجرمان می‌دانند در اختیار می‌گذارند تا پیشگیری و مقابله آسان‌تری با باندهای مجرمان سازمان یافته صورت گیرد (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

اصل ۵۸ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «مجریان قانون و سایر کارکنان ذیربط، از هر دو جنس، باید تربیت شوند تا بتوانند به نیازهای خاص نوجوانان پاسخ دهند و باید با برنامه‌ها و امکان‌های تغییر مسیر پرونده نوجوانان در تشکیلات قضایی آشنا باشند و حداکثر بهره ممکن را از آن بگیرند». بدین ترتیب حضور پلیس زن در مرحله برخورد اولیه با نوجوان بزهکار در اصلاح او تأثیر مثبتی خواهد داشت.

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها

پلیس برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، وظایف مختلفی بر عهده دارد که هر یک از آنها می‌تواند نقطه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در یکی از مرحله‌های زیر باشد: پیشگیری مرحله اول که همان پیشگیری عمومی و آگاهی بخشی جامعه نسبت به بزه و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. پیشگیری مرحله دوم یعنی

۱. بزهکار اتفاقی، بزهکاری است که فاقد ویژگی‌های بزهکار یا تبه‌کار سابقه‌دار بوده و با قصد تبه‌کارانه اقدام به ارتکاب بزه نمی‌کند. در این مورد فرد با قرار گرفتن در معرض شرایط خاص مانند تحریکات آنی، فشارهای روانی، تهدید و جذابیت عمل مجرمانه، به طور تصادفی و اتفاقی، مبادرت به ارتکاب جرم می‌کند (محسنی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۶).

تمرکز بر نوجوانان در معرض خطر و مرحله سوم که مرحله پیشگیری از تکرار بزه توسط نوجوانان است. پلیس در مرحله اول بیشتر نقش آموزشی و آگاه سازی، در مرحله دوم نقش کنشی و در مرحله سوم نقش واکنشی دارد. از این رو می توان ادعا کرد که هر چه پیش تر می رویم نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان پر رنگ تر می شود (داودی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶).

نقش پلیس در پیشگیری اولیه: پیشگیری اولیه مجموعه اقدام ها، سیاست ها و برنامه هایی است که سعی در تغییر و کنترل شرایط زندگی اجتماعی برای جلوگیری از ارتکاب هر نوع جرم توسط آحاد جامعه دارد (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). اقداماتی که در اصل برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می کنند طراحی می شوند (عباچی، ۱۳۸۸، ص ۶۰) و هدف آن برهم زدن اوضاع و احوال جرم زا در محیط فیزیکی و اجتماعی است که کل جامعه در آن دخیل هستند و شامل کلیه سیاست ها و طرح هایی است که برای پیشگیری از شرایط جرم زا طراحی شده اند. در این زمینه خانواده ها، مدرسه ها و رسانه های جمعی و پلیس ارکان بسیار مهمی هستند (نیازپور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). امروزه پلیس به عنوان یک نهاد اجتماعی در پی حل مشکلات و حفظ امنیت علاوه بر نقش واکنشی، نقش کنشی و پیشگیری دارد و در صدد پیشگیری وضعی و اجتماعی از طریق خانواده، مدرسه و نظارت بر شرایط فردی و اجتماعی نوجوان است. همچنین حضور پلیس بالباس مخصوص و آراسته در سطح شهر ضمن اینکه احساس امنیت و آرامش را در جامعه ترویج می دهد از سویی به عنوان مدیر و ناظر نقش هشداردهنده و بازدارنده دارد (ساداتی، ۱۳۹۰، ص ۱۴) و با کاهش و حذف زمینه های فیزیکی مانع تأثیر خطر یا ریسک در بزهکاری نوجوانان می شود.

پلیس در راستای پیشگیری مؤثرتر از بزهکاری کودکان و نوجوانان، اعضای جامعه و سازمان های اجتماعی را در این امر مشارکت می دهد. این نهاد با تعاملات سازنده با مردم از استعدادها و ظرفیت های موجود جامعه برای کنترل مؤثر بر جرائم و آسیب های اجتماعی مراقبت می کند (آزادواری، ۱۳۹۱، ص ۱۵). یک استدلال منطقی برای مشارکت و دخالت مردم، این باور است که پلیس نه به تنهایی می تواند جامعه ای مطمئن و سالم ایجاد کند و نه می تواند از آن محافظت کند. پلیس و جامعه می توانند با شکل دادن فعالیت های محلی داوطلبانه به پیشگیری از تخلفات، جرائم و بزهکاری کمک کنند (ساداتی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). همچنین حضور مأموران پلیس مدرسه در فعالیت های تفریحی، آموزشی و اوقات

فراغت سبب ایجاد حس اعتماد و مسئولیت پذیری در دانش آموزان، صرف انرژی آنها در این روابط به جای خشونت‌های میان فردی و برقراری روابط قابل اتکا میان دانش آموزان و پلیس می‌شود (اصغرزاده و نویهار، ۱۳۹۴، ص ۷). پلیس ویژه کودکان و نوجوانان با اقداماتی همچون: آموزش امنیت شخصی کودکان و نوجوانان، ایجاد هوشیاری در رابطه با شماره تلفن‌ها و اشخاص ناشناس، آموزش نحوه کنترل خشم و قانع کردن نوجوانان و کودکان بر اینکه پلیس دوست و پشتیبان آنان است و با ایجاد رابطه صمیمی با آنها، از درگیری آنها در ارتکاب بزه پیشگیری می‌کند. همچنین پلیس ویژه کودکان و نوجوانان می‌تواند در راستای جلوگیری از گرفتاری نوجوانان در خشونت و خطرات استعمال مواد مخدر، نمونه‌هایی از مواد مخدر سنتی و صنعتی را در کلاس‌های آموزشی و آگاه‌سازی در مدارس به دانش آموزان نشان داده و آثار مصرف هر یک از این مواد را با فیلم‌ها و اسلایدها به صورت علمی و مستند به آنها ارائه کند (آرینگتون^۱، ۱۳۹۰، ص ۸۷). مداخله پلیس در پیشگیری باید به حد متعادل و معقولانه باشد. در این زمینه کنگره دوم سازمان ملل متحد (۱۹۶۰) در زمینه پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمان تأکید دارد که سازمان‌های ویژه پلیس برای پیشگیری از بزهکاری جوانان باید موارد زیر را به کار بندند:

«- اقدام‌های پیشگیرانه پلیس از بزهکاری نباید اداره پلیس را به سازمان اجتماعی تبدیل کند و در کار این سازمان‌ها و سازمان‌های آموزشی دخالت کنند؛

- این اقدام‌ها باید با در نظر گرفتن و رعایت کامل حقوق بشر صورت گیرد؛

- بخش ویژه پلیس برای پیشگیری از بزهکاری کودکان باید نیازهای ملی را در نظر بگیرد. این امر در مورد پلیس بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای دارد؛

- در نخستین جرم شخص جوان، سوابق مجرم بررسی شود و پس از انگشت‌نگاری تمام مدارک نگهداری شود» (عباچی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

نقش پلیس در پیشگیری ثانویه از بزهکاری نوجوانان: پیشگیری ثانویه در خصوص نحوه مداخله با افرادی است که در معرض خطر بزهکاری هستند. مداخله در حالت‌های خطرناک یعنی مداخله در حالت‌هایی که در آستانه وقوع جرم قرار دارد. هدف از این پیشگیری، تشخیص محل و وضعیت است که در فراهم کردن زمینه جرم نقش فعالی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۵۰۸) و تلاش بر کنترل افراد خاصی که در معرض خطر

بزهکاری هستند، مانند کودکان و نوجوانانی که به هر دلیل از قبیل نداشتن سرپرست، یا داشتن سرپرست بزهکار و از این قبیل در معرض خطر بزهکاری هستند و امکان ارتکاب جرم توسط آنها بیشتر است (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۷۱). در این زمینه پلیس ابتدا به شناسایی نوجوانان در معرض خطر از طرق مختلف مانند حضور متناوب در مدارس و شناسایی عوامل خطرناک می پردازد. سپس برای رفع یا کاهش تأثیر عوامل بزه زا، افراد و خانواده‌های در معرض خطر را به نهادهای مناسب مانند مراکز ترک اعتیاد به الکل و مواد مخدر، مراکز مشاوره روانی یا خانوادگی یا حقوقی ارجاع می دهد.

نوجوانانی که در محله‌های خطرناک زندگی می کنند، به نسبت نوجوانان محله‌های امن تر در معرض خطر بیشتری در خصوص غفلت شدید و سوء استفاده فیزیکی و جنسی قرار دارند. برخی از این خطرات بزهکاری با فقر موجود در محله‌ها و خانواده‌ها همراه است (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۹۲). کودکانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می کنند به طور کلی از امنیت و امکانات کمتری برخوردارند و برای تهیه وسایل ضروری زندگی اقدام به ارتکاب جرم می کنند. نوجوانی که در سنی به سر می برد که آرمانی فکر می کند و به دنبال بهتر شدن وضعیت است، خطرات را می پذیرد و دست به ارتکاب جرم می زند. همچنین شرایط حاکم بر محیط محله و فقر خانواده در تشدید حس انتقام گیری نوجوانان از جامعه تأثیر می گذارد و سبب می شود نوجوان خشم خود را از طریق بزهکاری بر جامعه تحمیل کند. بنابراین اگر بین پلیس و مددکار اجتماعی همکاری مناسبی صورت گیرد امکان هدایت منابع موجود به سمتی که از نوجوانان مزبور حمایت شود، وجود دارد. این نوع پیشگیری وظیفه سازمان خدمات اجتماعی است اما گاهی آنان به تنهایی قادر به این کار نیستند (نیازخانی و ملک زاده، ۱۳۸۹، ص ۹۷). مأموران پلیس می توانند در نقش سازمان‌های اجتماعی مردم نهاد نقش کلیدی ایفا کنند بدین گونه که محله‌های خطر خیز را شناسایی کرده و به کمک مأموران امداد و مددکاران بهزیستی برای رفع عوامل جرم زا اقدام کنند.

نقش پلیس در پیشگیری ثالث از بزهکاری نوجوانان: پیشگیری ثالث از جرم برای سازگاری اجتماعی یا خنثی کردن بزهکاران پیشین است. این پیشگیری شامل تدابیری است که برای مهار بحران و حالت خطرناک اعمال می شود، یعنی حالتی که جرم محقق شده و حالت خطرناک به حالت مجرمیت تبدیل شده است و این اقدامات به منظور جلوگیری از استمرار و برای خنثی کردن آثار آن به کار گرفته می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۵۰۸). در پیشگیری از تکرار بزهکاری کودکان، واکنش باید به نحوی اعمال شود که

علاوه بر این که راه ورود کودک کان و نوجوانان را به وادی بزهکاری مجدد، مسدود سازد (عباچی، ۱۳۸۳، ص ۶۴)، حقوق اولیه آنها همچون حق کرامت ذاتی آنها حفظ شود. بسیاری از کارشناسان و متخصصان بر این باورند که کودک کان را می توان مورد بازپروری قرار داد؛ از این رو باید با آنان برخوردی به مراتب ملایم تر از بزرگسالان صورت گیرد (معظمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

پلیس باید متهم نوجوان را سریع به دادسرا یا دادگاه مربوطه بفرستد. بر اساس بند ۲ ماده ۲۸۵ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «ضابطان در صورت دستگیری کودک یا نوجوان موظف هستند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند و انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست»؛ این امر نشان دهنده این مهم است که تا حد امکان باید از نگهداری نوجوان جلوگیری شود مگر در موارد اضطراری که در این صورت نیز برای پیشگیری از یادگیری جرائم شدید، باید او را از متهمان بزرگسال جداگانه نگهداری کرد. همچنین طبق قاعده ۱۹ مقررات پکن: «قرار دادن یک نوجوان در هرگونه نهادی (به منظور سالب آزادی) باید به عنوان آخرین راه حل و در حداقل زمان صورت گیرد»؛ علم جرم شناسی نوین استفاده از تدابیر غیر نهادی را توصیه می کند. بسیاری از اثرات منفی که در شرایط نهادی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد، حتی با روش های تربیتی هم قابل جبران نیست. همچنین اثرات منفی تنها ناشی از محرومیت از آزادی نیست، بلکه دوری از محیط عادی اجتماعی نیز بدون شک برای نوجوانان به دلیل قرار گرفتن در مرحله اولیه رشد عواقب وخیم تری در بردارد (سازمان اصلاحات جزایی بین المللی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). دلیل این امر نیز این است که نوجوان به دنبال هویت یابی است، هنگامی از اجتماع دور باشد امکان مشاهده و تفکر راجع به الگوهای مناسب را ندارد، از سوی دیگر امکان اجتماعی شدن و جامعه پذیری از او سلب می شود.

از آنجایی که اگر نوجوانی مرتکب بزه شود باید به گونه ای برخورد کرد که از ارتکاب مجدد بزه توسط او جلوگیری شود؛ در بسیاری موارد بهترین گزینه، مجازات ترمیمی است. نکته مهم در اجرای عدالت ترمیمی این است که قاضی به طور معمول نمی تواند به تنهایی عمل کند. به عنوان مثال او قادر نیست به خانواده نوجوان سر بزند یا وقت زیادی صرف کند، در این زمینه مدد کاران اجتماعی و پلیس ویژه کودک کان و نوجوانان می تواند کمک زیادی به او ارائه دهد و در چنین حالتی قاضی قادر خواهد بود به حل و فصل آگاهانه بپردازد (نیازخانی و ملک زاده، ۱۳۸۹، ص ۹۹). در جرائم اطفال و نوجوانان، جرم ابتدا به عنوان یک اختلاف در روابط

بزه‌دیده و بزه‌کار و سپس رفتاری علیه دولت و قانون دولتی تلقی می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۶۸). پلیس می‌تواند با حل و فصل جمعی، اختلافات ناشی از ارتکاب جرم را برطرف کند. این مهم سبب می‌شود نوجوانی که جرم خفیف انجام داده است به دادگاه و دادرساراه پیدا نکند، زیرا نوجوان در دوران الگوپذیری و حساس به سر می‌برد و مواجه شدن با دادگاه - مکانی که انواع مجرمان در آنجا رفت و آمد دارند - در خشونت و انحراف او در آینده تأثیر می‌گذارد. مأموران پلیس در گشت‌های خود به جرائمی برخورد می‌کنند که از جمله جرائم مشهود کم اهمیت هستند، اینکه مقام قضایی باید در جریان تمام جرائم کم اهمیت قرار بگیرد و تصمیم‌گیری نیز کند از نظر منطقی نیز غیر ممکن است. به همین منظور، پلیس در انجام مأموریت‌های خود در جرائم غیر مهم که جنبه عمومی آن بسیار ضعیف‌تر از جنبه خصوصی آن است، به عنوان یک میانجی وارد عمل شده و سعی در حل و فصل و سازش بین طرفین می‌کند. روش مداخله و میانجی‌گری می‌تواند بسیار متفاوت باشد، گاهی تنها حضور در صحنه جرم بدون هیچ‌گونه دخالتی می‌تواند روش مناسبی به ویژه برای جرائم کودکان باشد. مرحله دوم می‌تواند به صورت اخطارهای غیر رسمی از طرف پلیس به صاحبان مشاغل، مدیران مدارس، والدین کودکان و نوجوانان باشد و تا زمان عذرخواهی و پذیرش مسئولیت از طرف بزه‌کار ادامه پیدا می‌کند. پلیس بیشتر با ایجاد صلح و سازش، طرفین را به پذیرش شرایط جبران خسارت و مصالحه سوق می‌دهد (یاراحمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲-۱۳۳). در واقع پلیس ویژه کسی است که تصمیم می‌گیرد نوجوان باید آزاد شود یا او را به دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان ارجاع دهد و وضعیت خاص نوجوان را برای مقام قضایی مربوط شرح داده تا برای پیشگیری از ورود او به دادگاه تصمیم مقتضی بگیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

هر آنچه علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. به طور کلی پیشگیری فرآیندی است که قبل از ارتکاب جرم آغاز و حتی پس از ارتکاب آن را شامل می‌شود. این امر در خصوص نوجوانان به دلیل شکل نگرفتن شخصیت آنها و امکان اصلاح بیشتر ایشان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که بیشتر جرائمی که کودکان و نوجوانان مرتکب می‌شوند به دلیل ویژگی‌های رفتاری است و هدف اخلاص گرانه در پی ندارد، در صورتی که به موقع از ارتکاب آنها جلوگیری شود، امکان اصلاح وجود دارد اما در صورتی که اقدامات پیشگیرانه در زمان مناسب صورت نگیرد، امکان باقی ماندن نوجوان در

ورطه انحراف وجود خواهد داشت و شرایط بزهکار شدن نوجوان در بزرگسالی فراهم می‌شود. نوجوانی دوران عبور از کودکی به بزرگسالی و تجربه تغییرات اخلاقی، جسمی و جنسی است. این دوران برای نوجوان برزخی را می‌ماند که تصمیم‌گیری بر اعمال برای او سخت می‌شود، نوجوان از سویی به دنبال استقلال بزرگسالی است و از سویی با او مانند کودک رفتار می‌شود. بنابراین برای به نمایش گذاشتن استقلال خود، به هر روشی متوسل می‌شود اگر در این مسیر با گروه‌ها و الگوهای نامناسب برخورد کند، به انحراف سوق داده می‌شود.

با توجه به اینکه نوجوانان آینده‌سازان و تصویر فردای جامعه هستند، هر چه میزان انحراف آنها کمتر باشد، این تصویر زیباتر خواهد بود. بنابراین تمام آحاد جامعه وظیفه دارند زمینه‌های انحراف نوجوانان را کاهش دهند و از بزهکاری آنها جلوگیری کنند. یکی از این نهادها پلیس است. از جمله ویژگی‌های عمومی پلیس، با هوش بودن و آمادگی جسمانی و روانی است. با این حال به دلیل ویژگی‌های خاص نوجوانان، در راستای اجرای عدالت در خصوص آنها پلیس رسیدگی کننده به امور کودکان و نوجوانان باید ویژگی‌های متفاوتی داشته باشد. پلیسی که به طور خاص در زمینه اطفال و نوجوانان آموزش دیده باشد، می‌تواند رفتارها، ویژگی‌ها و موقعیت کودک و یا نوجوان بزهکار را درک کند و رفتار بهتری از خود نشان خواهد داد. پلیس برای درک بیشتر کودکان و نوجوانان لازم است به علوم روان‌شناسی و علوم تربیتی مربوط به کودکان و نوجوانان آشنا باشد و برای ایجاد ارتباط بیشتر با آنها از نیروهای جوان و به ویژه از میان زنان انتخاب شود. پلیس زن به عنوان مشاور، مددکار اجتماعی و مأمور تحقیق دارای خشونت کمتری است، همچنین توانایی برقراری ارتباط آسان با نوجوانان نتیجه اصلاح‌پذیری بیشتر در کودکان و نوجوانان را در پی دارد.

نوع رفتار پلیس با کودک یا نوجوانان بزهکار علاوه بر اینکه بر اصلاح و پیشگیری از ارتکاب جرم آنها تأثیر دارد، بر شناخت خود و تشکیل الگوهای رفتاری کودک و نوجوان نیز تأثیر می‌گذارد؛ همچنین هر قدر که پلیس ویژه کودک و نوجوان با خوشرویی بیشتری با کودکان و نوجوانان رفتار کند، این عملکرد بر شناخت فرد از دستگاه قضا تأثیر بسزایی می‌گذارد. به‌طور طبیعی، تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان بر حاکمیت نظم در جامعه و پیشرفت روزافزون آن بسیار مفید است زیرا برخورد تخصصی با کودکان و نوجوانان بزهکار موجب اصلاح بزهکار در همان مراحل اولیه ناسازگاری می‌شود.

پیشنهادها

پلیس در راستای پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌تواند در مدارس، کارگاه‌هایی برای آشنایی کودکان و نوجوانان با بزه‌هایی که به طور معمول توسط آنها ارتکاب می‌یابد، آنچه آنها را به این راه تشویق می‌کند و راه‌های مقابله با آن، برگزار کند. در این خصوص آموزش و پرورش نیز با ایجاد زمینه برگزاری این کارگاه‌ها توسط پلیس می‌تواند همکاری لازم را برای پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان به عمل آورد. به عنوان مثال پلیس در این کلاس‌ها، مواد مخدر مختلف را به صورت عینی به نوجوانان نشان می‌دهد تا نوجوانان با آن آشنا شوند و از نزدیک مواد شایع را بشناسند و با اثرات استفاده از آنها آشنا شوند. پلیس بهتر است ضمن این که آثار منفی مصرف مواد مخدر، اعم از موقت و طولانی مدت را برای نوجوانان بازگو می‌کند؛ به جذابیت‌های مواد مخدر همچون انرژی‌زا و شادی آور بودن مواد اشاره کند تا ضمن برطرف کردن کنجکاوی‌های نوجوانان، اعتماد آنها را به این آموزش‌ها افزایش دهد.

پلیس می‌تواند با هماهنگی مدارس به برگزاری نمایش و تئاتر بپردازد و به صورت عملی و بصری مراحل بزهکاری شدن نوجوانان را به آنها نشان دهد؛ زیرا نمایش، تأثیر خود را تا مدت‌ها به جا می‌گذارد و سبب درک بیشتر افراد از موقعیت‌ها می‌شود. پلیس بهتر است از همکاری دانش‌آموزان جهت یادگیری، توجه و جذابیت بهره‌برد. پلیس با به نمایش گذاشتن تمام مراحل گرفتاری به بزهکاری از ابتدایی‌ترین مرحله نوجوانان را متوجه این موضوع می‌کند که کوچکترین انحرافات مانند سیگار کشیدن در نهایت چه عواقبی خواهد داشت. هنگامی که نوجوانان، خود این نمایش را اجرا کنند یا دوستان خود را در این نقش‌ها ببینند، بزه، بزهکاری و عواقب آن را بهتر درک می‌کنند. پلیس در این نمایش‌ها به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که در صورت پیشنهاد مصرف مواد مخدر یا بزه‌های دیگر، فوری به خانواده و پلیس اطلاع دهند. پلیس کودکان و نوجوانان باید در نظر داشته باشد که آموزش‌های او برای پیشگیری از جرم، متناسب با جنس، سن، گرایش نوجوانان مخاطب و واقعیت موجود در جامعه باشد. با توجه به اتفاقات روز جامعه به نوجوانان آموزش می‌دهد که عضویت در چه گروه‌هایی بهتر است و در چه گروه‌هایی نباید عضو شوند. به عنوان مثال به آنها خطرات عضویت در گروه‌هایی با تفاوت سنی زیاد را گوشزد کند و پس از آن به ایشان آگاهی دهد که در صورت عضویت چگونه از خشونت و نزاع‌های گروهی بپرهیزند یا مانع سوء استفاده‌های جنسی و غیر جنسی بزرگسالان شوند. پلیس زن ویژه نوجوانان باید ابتدا به دختران نوجوان

یاد آور شود که هر چند ارتباط با جنس مخالف دارای لذت است و نیاز عاطفی او را ارضاء می کند ولی معایبی همچون اعتیاد به چنین رابطه هایی، تنوع طلبی، امکان شکست عاطفی و احتمال منجر شدن به روابط جنسی، تجاوز و پیامدهای بعد از آن را در پی دارد. همچنین پلیس باید با توجه به بزه های معمول نوجوانان دختر به آنها آموزش دهد در صورت دوستی با جنس مخالف از قرار ملاقات در مکان های خلوت که احتمال ارتکاب جرائم جنسی وجود دارد بپرهیزند و بیشتر قرارهای خود را در مکان های عمومی و پر رفت و آمد برنامه ریزی کنند. به طور مسلم هرچه میزان آگاهی نوجوان از جرائم بیشتر باشد احتمال گرفتار شدن آنها کمتر خواهد بود.

پلیس می تواند با توجه به مراجعاتی که به آنها می شود، کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری از جمله افراد بد سرپرستی که دارای والدین معتاد یا مجرم هستند را شناسایی کند. نوجوانانی که پدران معتادشان آنها را مجبور به خرید و فروش مواد مخدر یا تکدی گری می کنند؛ همچنین باند های بزرگ خرید و فروش مواد مخدر از نوجوانان به دلیل سرعت عمل آنها، برای خرید و فروش مواد مخدر استفاده می کنند. پلیس می تواند با معرفی این کودکان و نوجوانان که احتمال به خطر افتادن آنها وجود دارد به مراکز بهزیستی، راه تربیت صحیح ایشان را فراهم کند. همچنین با فراهم شدن حداقل های زندگی و زمینه آموزش و تحصیل نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست از افتادن آنها در دام بزهکاری جلوگیری می شود. معمولاً پلیس اولین فردی است که با کودکان و نوجوانانی که مرتکب بزه می شوند، برخورد دارد. بنابراین برای پیشگیری از تکرار جرم توسط آنها می تواند در جرائم قابل گذشت و کم اهمیت به میانجی گری بپردازد. به گونه ای که بزهکار را تشویق به جبران خسارت بزه دیده کند و در صورت ابراز ندامت او، بزه دیده را به گذشت تشویق کند. این عمل ضمن این که، کم شدن حجم پرونده های دادگاه و دادرسی را در پی دارد، سبب می شود نوجوانی که جرم خفیفی انجام داده اند به دستگاه قضایی راه پیدا نکنند.

فهرست منابع

- آزادواری، علی اکبر. (۱۳۹۱). رابطه میان سرمایه اجتماعی و نقش پلیس در پیشگیری از جرم. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۷(۲۵)، صص ۹-۲۴. قابل بازیابی از: http://ps.jrl.police.ir/content.php?page=show-article&request_id=1840&journal_id=35
- آفنداک، خلیل. (۱۳۸۲). نقش مأموران نیروی انتظامی در پیشگیری از جرائم اطفال. *مجله دادرسی*، ۷(۳۸)، صص ۶۴-۶۷. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>

- اودانل، دان و سیمور، دان. (۲۰۰۲). *کتابچه تخصصی حمایت از کودک*. (یونیسف، مترجم). تهران: یونیسف.
- احمدی، محمدحسن. (۱۳۸۷). نقش زنان پلیس در پیشگیری از جرائم با رویکرد بزه‌دیدگی کودکان و زنان. *فصلنامه پلیس زن*، (۵)، صص ۶۴-۹۰. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/914398>
- احمدی موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۲). جایگاه نهاد آموزش در پیشگیری از جرم. *فصلنامه پیشگیری از جرم*، ۸(۲۷)، صص ۱۰۹-۱۴۶. قابل بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1342229&l=fa>
- ارسنجانی، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی میزان اثربخشی کارگاه‌های آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان از دیدگاه کارآموزان در پلیس ایران. *مجله مطالعات مدیریت برآموزش انتظامی*، ۴(۱۵)، صص ۶۳-۸۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1042284>
- اسدی، لیلاسادات. (۱۳۸۸). تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر بر کودکان معارض با قانون. *مجله مطالعات پیشگیری از جرم*، ۴(۱۱)، صص ۴۵-۷۰. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1025617>
- اصغرزاده، سمیه و نوبهار، زهرا. (۱۳۹۴). چشم‌انداز مسئولیت‌های پلیس اطفال و نوجوانان در پیشگیری از جرم. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۰(۳۵)، صص ۱-۱۵. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1116606/>
- دانش، تاج زمان. (۱۳۸۶). *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*. تهران: انتشارات میزان.
- داودی دهاقانی، ابراهیم. (۱۳۹۲). مدیریت دانش پلیس در پیشگیری از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه محور. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۸(۲۸)، صص ۱۴۷-۱۷۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1053441/>
- زینالی، امیرحمزه. (۱۳۸۸). *ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر*. تهران: معاونت حقوقی و توسعه قوه قضائیه، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ساداتی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۰). پلیس و پیشگیری از جرم بدون بزه‌دیده. *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، (۱۳)، صص ۱-۲۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1017622/>
- سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی. (۱۳۸۳). *راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان*. تهران: انتشارات وفاق.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۲). مبانی و اصول بکارگیری پلیس زن (قسمت اول). *مجله دانش انتظامی*، (۱۷)، صص ۱۲۶-۱۴۳. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/273022/>
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد نوجوان*. تهران: نشر علم.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۹۵). نقش پلیس در پیشگیری از جرائم اطفال. *مجله کانون وکلا*، (۱۰۸)، صص ۲۰-۲۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/452528/>
- عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا و فرحیها، محمد. (۱۳۹۵). رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی به عدالت کیفری؛ مطالعه موردی سیاست‌ها و رویه‌های پلیسی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، (۲)، صص ۲۰۱-۲۲۲. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/377818>
- عباجی، مریم. (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان. *مجله حقوقی دادگستری*، (۴۷)، صص ۴۹-۸۶. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/484414/>
- عباجی، مریم. (۱۳۸۸). *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*. تهران: انتشارات مجد.
- عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). *میانجی‌گری کیفری*. تهران: انتشارات دانشور.
- کشفی، سید سعید. (۱۳۸۷). نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان. *مجله دانش انتظامی*، (۳۷)، صص ۱۴۴-۱۶۶. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=102321>

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی (منوچهر صبوری، مترجم)*. تهران: نشر نی.

معظمی، شهلا. (۱۳۹۴). *دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر دادگستر.

نجفی توانا، علی. (۱۳۸۲). *ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: انتشارات راه تربیت.

نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۵). اقدام‌های دستگاه‌های دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزهکاری. *فصلنامه تخصصی الهیات و*

حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۶(۲۰)، صص ۶۱-۸۸. قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/208266/>

نیازخانی، مرتضی و ملک‌زاده، امیر. (۱۳۸۹). *پلیس کودکان و نوجوانان*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

یاراحمدی، مسعود. (۱۳۹۳). بایسته‌های پلیس در میانجی‌گری کیفی. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۰(۳۰)، صص

۱۲۱-۱۵۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1103132/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی